

حکمرانی حکیمانه

حکومت امام علی (ع)، حکومت موفق تاریخ

مصطفی دلشاد تهرانی



انتشارات دریا

تهران، میرداماد، میدان مادر، خیابان شاه‌نظری
خیابان سپاهان، شماره ۲۶ - تلفن: ۲۲۹۱۱۳۲۳

حکمرانی حکیمانه: حکومت امام علی (ع)، حکومت موفق تاریخ

مؤلف: مصطفی دلشاد تهرانی

حروفچین: محمّد ملک‌زاده • طراح جلد: الهه باقری

چاپ و صحافی: روز

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۱۳-۶۲-۹ ISBN: 978-964-7313-62-9

سرشناسه	: دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: حکمرانی حکیمانه: حکومت امام علی (ع)، حکومت / مصطفی دلشاد تهرانی.
وضعیت ویراست	: ویراست ۲.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۵۳ ص.
شابک	: 978-964-7313-62-9
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "جمال دولت محمود: حکومت امام علی (ع)، حکومت موفق تاریخ" توسط همین ناشر در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است.
عنوان دیگر	: جمال دولت محمود: حکومت امام علی (ع)، حکومت موفق تاریخ.
موضوع	: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - دیدگاه درباره سیاست و حکومت
موضوع	: Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 - Views on politics and government
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۷۶۷ ۹ د س / ۳۸ / ۰۹ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۵۳۵۲۱

فهرست مطالب

۹	دبیاجه
۱۱	حکومت وفق تاریخ
۱۷	شاخصه های حکومت وفق
۲۳	شاخصه های حکومت موفق تاریخ
۲۵	آزادی و آزادی گرای
۲۵	مفهوم عمیق و همه جانبه ی آزادی و آزادی گرای نزد امام علی (ع)
۳۳	آزادی و آزادی گرای، وجه بارز حکومت امام علی (ع)
۳۸	آزادی عقیده
۴۳	آزادی در بیعت
۴۷	آزادی مخالفان
۴۹	سلوک آزادی گرایانه با مارقین
۵۷	سلوک آزادی گرایانه با ناکثین
۶۱	آزادی بیان
۶۹	عدالت و عدالت گرای
۶۹	مفهوم عمیق و همه جانبه ی عدالت گرای نزد امام علی (ع)
۷۲	عدالت، جمال سیاست و حکومت
۷۹	عدالت خواهی علی (ع) و عدالت گرای در حکومت علی (ع)

۹۶	 انسانیت و انسان‌گرایی
۹۶	 حرمت و کرامت انسان در حکومت علی (ع)
۱۰۲	 نجات و هدایت انسان
۱۱۰	 مردم‌سالاری
۱۱۰	 حق حاکمیت مردم
۱۱۶	 پذیرش حکومت برای مردم
۱۱۹	 رضایت مردم از حکومت
۱۲۳	 طاعت مردم بر حکومت
۱۲۸	 نفی خودکامگی و خودکامی‌پذیری
۱۲۸	 الغای خودکامگی و خودکامی‌پذیری
۱۳۷	 تلاش در زدودن خودکامی و خودکامی‌پذیری در حکومت
۱۴۵	 مرزبانی و قانون‌گرایی
۱۴۵	 شدت مرزبانی و قانون‌گرایی امام علی (ع) در حکومت
۱۵۲	 تأکید بر مرزبانی و قانون‌گرایی کارگزاران حکومت
۱۶۱	 نفی اباحی‌گری
۱۶۱	 نفی اباحی‌گری در استخدام وسیله
۱۷۴	 پایبندی در کیفیت استخدام وسیله در حکومت
۱۹۰	 صراحت و صداقت‌ورزی
۱۹۰	 حکومت صراحت و صداقت
۱۹۲	 صداقت و راستی در حکومت
۱۹۵	 صراحت و شفافیت در حکومت
۱۹۸	 حقوق‌مداری
۱۹۸	 حقوق‌مداری، مبنای حکومتداری علی (ع)
۲۰۴	 حقوق متقابل زمامداران و مردمان
۲۰۷	 حقوق مخالفان
۲۱۱	 حقوق اقلیت‌های دینی

۲۲۰	رحمت و محبت ورزی، مدارا و رفق ورزی
۲۲۰	حکومت رحمت و محبت، و دولت رفق و مدارا
۲۲۴	رحمت و مدارا نسبت به ناکثین
۲۲۴	نقش طلحه و زبیر و عایشه در قتل عثمان
۲۲۷	بهبانای خونخواهی عثمان
۲۳۳	۱- تبرئه‌ی خویش از ماجرای قتل عثمان
۲۳۶	۲- قدرت طلبی و حکومت خواهی
۲۴۰	۳- سهم خواهی در قدرت و حکومت
۲۴۳	۴- مخالفت با منشی امام در حکومت
۲۴۵	عملکرد ناکثین و رفتار امام با آنان
۲۶۵	رحمت و مدارا نسبت به مارقین
۲۶۶	ظهور و بروز خواجه
۲۶۷	فتنه‌ی شریع
۲۷۰	عملکرد مارقین و رفتار امام با آنان
۲۸۶	اعتدال و میانه روی
۲۸۶	اعتدال و میانه روی، مبنای حکومت علی (ع)
۲۸۸	رعایت اعتدال و میانه روی در همه‌ی وجوه
۲۹۲	صلح گرای
۲۹۲	زشتی جنگ و خونریزی
۲۹۶	ارزش صلح
۲۹۸	اصالت صلح در اندیشه و رفتار امام علی (ع)
۳۰۳	صلح دوستی علی (ع) و بیزاری او از جنگ و خونریزی
۳۰۵	۱- پرهیز از آغاز کردن جنگ
۳۰۷	۲- پرهیز از دعوت به پیکار
۳۰۸	۳- اقامه‌ی حجت پیش از جنگ
۳۱۱	۴- شروع کردن جنگ در بعد از ظهر
۳۱۲	۵- تأکید بر رفتار نیک و انسانی نسبت به بازماندگان دشمن
۳۱۴	تلاش بی نظیر صلح گرایانه‌ی علی (ع)

۳۱۷ ماهیت صلح‌گرایی علی (ع)

۳۱۷ کدام جنگ، کدام صلح

۳۲۳ والایی جهاد

۳۲۷ نمایه

۳۳۹ منابع و مآخذ

www.ketab.ir

حکومت موفق تاریخ

نام امیرمؤمنان علی (ع) و یاد حکومت کوتاه آن حضرت، چنان با آزادی و برابری و دادگری و حقوق انسانی عجیب شده است که نمی توان آزادی را تصور نمود و رفتار آزادی خواهانه ی امام علی (ع) را تصور نمود. نمی توان از برابری سخن گفت و تلاش امام در تحقق برابری انسان ها را یاد نکرد؛ نمی توان به ادگری امام ورزید و الگوی تمام عیار دادگری در حکومت علی (ع) را پیش روی ندید؛ نمی توان به حقوق انسانی پرداخت و والاترین جلوه ی حقوق انسانی را در حکومت امام علی (ع) بر قله ی انبیا نادیده گرفت.

حکومت امیرمؤمنان علی (ع) حکومت کوتاه بود، اما آن چه در راه و رسم حکومتی امام در این دوران چهره گشود، همه ی تاریخ را به نور خود روشن نمود: خنثی گرایشی، انسان دوستی، عدالت خواهی و ظلم ستیزی، نفی سلطه گری، آزادی خواهی، حقوق مداری، نفی خودکامگی و خودکامگی پذیری، مدارا و رفق ورزی، مشارکت پذیری، نفی خود و نت ورزی، شایسته سالاری، صراحت ورزی، وفاداری، مرزبانی، امانتداری و خدمتگزاری، عدالت رزی، نفی اباحی گری، ساده زیستی، مردم داری و ...

بنی امیه بسیار تلاش کردند تا نام علی (ع) و یاد او و جلوه های زیبا و انسانی حکومت امام را محو سازند یا تحریف نمایند، اما علی (ع) بر چنان افقی ایستاده بود، و حکومت آن حضرت چنان حق مداری و عدالت خواهی و انسان دوستی و آزادی خواهی را جلوه بخشیده بود که پوشاندن آن یا دگرگون نمودن آن علی رغم آن همه دسیسه ها - در طول تاریخ - ناممکن بود. ابن ابی الحدید معتزلی در مقدمه ی شرح نهج البلاغه ی خویش در این باره چنین نگاشته است:

«بنی امیه در شرق و غرب جهان اسلام قدرت را قبضه کردند و هر حيله ای را به کار گرفتند و به هر عملی دست زدند تا نور او را خاموش سازند. حقایق را تحریف کردند و بر ضد او روایات

دروغین جعل نمودند و بر منبرها زبان به سب و لعن او گشودند و هر کس را که از آن حضرت به نیکی یاد می کرد، با تهدید و حبس و قتل کیفر دادند. آنان از انتشار روایات پیامبر که متضمن فضیلتی از فضایل آن حضرت یا بالا بردن نام و یاد او بود ممانعت کردند و حتی از نامگذاری کسی به نام علی جلوگیری کردند، اما همه ی این اعمال نتیجه ای نداشت جز آن که مقام و نام علی بالاتر رفت.

نام علی و یاد او مانند مُشک بود که هر چه آن را می پوشاندند، باز بوی عطر آن منتشر می شد، و هــ خون خورشید تابان بود که با کف دست پوشیده نمی شد، و مانند روز روشن بود که اگر بک نفر آن را نمی دید دیدگان دیگران می دید.^۱

حکومت آنان که «ها سال با تجبر و تحکم، با سلطه گری و خودکامگی، با خیانت و جنایت، با خشونت و قدرت، با فریب کاری و حيله گری بر مردم دوام یافت، رفت و از آنان جز یادواره ای نکبت بار نماند»^۲ اگر سنیان از آن پیشینیان عبرت می گرفتند، به راه آن جبّاران نمی رفتند و انسانیت و حرّیت و عادت را زیر پای ستم ستوران قدرت طلبی و مُکنت جویی تباه نمی ساختند، چنان که امام علی (ع) در «نوز ای بلند یادآوری می نماید:

«إِنَّ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِبْرَةً! إِنَّ الْمَالِقَةَ وَأَبْنَاءَ الْعَمَالِقَةِ! أَيْنَ الْفَرَاعِنَةُ وَأَبْنَاءُ الْفَرَاعِنَةِ! أَيْنَ أَصْحَابُ مَدَائِنِ الرُّسِّ يُدِينُ قَتْلُوا النَّبِيِّينَ، وَأَطْفَوْا سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَ أَحْيَوْا سُنَنَ الْجَبَّارِينَ!»^۳

۱. عزالدین بن هبة الله ابن أبی الحديد المعتزلی، شرح نهج البلاغة، بتحقیق محمد بوالفضل ابراهیم، الطبعة الاولى، داراحیاء الکتب العربیة، مصر، ۱۳۷۸ ق. ج ۱، ص ۱۷.

۲. أبو الحسن محمد بن الحسن الموسوی (الشریف الرضی)، نهج البلاغة، ضبط نصّه وابتکر فهارسه العلمیة صبحی الصالح، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۳۸۷ ق. خطبه ۱۸۲؛ در تمام کتاب از ترجمه های زیر استفاده شده است:

الف. ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

ب. ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ اول، بنیاد نهج البلاغة، ۱۳۷۶ ش.

ج. ترجمه اسدالله مبشری، چاپ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ ش.

د. ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغة، محمد جعفر امامی و محمدرضا آشتیانی، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، چاپ اول مؤسسه ی مطبوعاتی هدف، قم.

هـ. ترجمه و شرح علی قلی فیض الاسلام، چاپخانه ی حیدری، ۱۳۳۰ ش.

همانا در روزگاران گذشته برای شما عبرتی است. کجایند عمالقه،^۱ و فرزندان عمالقه؟ کجایند فراعنه و فرزندان فراعنه؟ کجایند مردمانی که در شهرهای رس^۲ بودند؟ آنان که پیامبران را کشتند، و سنت فرستادگان خدا را میزدند، و سیرت جباران را زنده کردند؟

نصر بن مزاحم مِثْقَری - مورخ و محدث گرانقدر، در گذشته به سال ۲۱۲ هجری - روایت کرده است که امیرمؤمنان علی (ع) در مسیر خود به سوی «صفین» به شهر «بُهَر سیر» و «ایوان مدائن» رسید. مردی از یارانش به نام حُزین سهم بن طُزیف چون به آثار کسری نگریست، به این بیت از شعر آشود بن یَغْفَر نَهْشَلی، از شاعران جاهلی، تمثّل کرد:

جَزَتْ الرِّیَاحُ عَلَی مَكَانٍ دِیَارِهِمْ فَكَأَنَّكَ كَانُوا عَلَی مِیْعَادٍ^۳
 و اما بر خانه‌های سرزمین ایشان برگذشت [و آن‌ها را در هم شکست] گویا با یکدیگر وعده‌ای داشتند.

پس علی (ع) او فرمود: آیا نگویی:

«كَمْ تَرَكُوا مِنْ نَبَاتٍ مُبُیْنٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِیْمٍ وَ نَعْمَةٍ كَانُوا فِیْهَا فَاکْهَبِیْنَ كَذَلِكَ وَ أَوْزَنَّاها قَوْمًا آخِرِیْنَ مِمَّا بَكَتْ عَلَیْهِمُ السَّمَاءُ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِیْنَ»^۴
 چه باغ‌ها و چشمه‌سارها [و آن‌ها بعد از خود] برجای نهادند، و کشتزارها و جایگاه‌های نیکو، و نعمتی که بر آن‌ها بر خوردار بودند. [آری] این‌چنین [بود] و آن‌ها را به مردمی دیگر میراث دادیم؛ و آسمان و زمین بر آنان زاری نکردند و ایشان مهلت

۱. «عمالقه» قوم قدیم ساکن عربستان در منتهی الیه «ادوم» که غالباً یهودیان در زمان شاعول و داوود در جنگ بودند و داوود آنان را نابود کرد. محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰ ش. ج ۵، ص ۱۲۱۰.

۲. «اصحاب الرس» که در قرآن کریم در سوره‌ی فرقان (آیه ۳۸) و سوره‌ی ق (آیه ۴۰) نامشان آمده است، قومی بودند که پس از قوم ثمود قدرت یافتند و خداوند پیامبرانی را به سویشان گسیل داشت، ولی ایشان پیامبران خود را تکذیب کردند و خداوند هلاکشان ساخت. نک: امین الاسلام أبوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مکتبة المرعشی النجفی، قم ۱۴۰۳ ق. ج ۱، ص ۱۷۰؛ السید محمد حسین الطباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۳۹۳ ق. ج ۱۵، ص ۲۱۸.

۳. المفضل بن محمد الضبی الکوفی، المفضّلیات، تحقیق و شرح احمد محمد شاکر، عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الثانية، دارالمعارف، القاهرة، ۱۳۶۲ ق. ص ۲۱۷.

۴. قرآن، دخان / ۲۵-۲۹.

نیافتند.

سپس امیر مؤمنان (ع) فرمود:

«إِنَّ هَؤُلَاءِ كَانُوا وَارِثِينَ، فَأَصْبَحُوا مَوْرُوثِينَ. إِنَّ هَؤُلَاءِ لَمْ يَشْكُرُوا النِّعْمَةَ فَسَلَبُوا دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ. إِنَّا كُمْ وَكَفَرْنَا النِّعْمَ، لَا تَجِلُّ بِكُمْ النِّقَمُ.»^۱

آری، همانا آنان زمانی ارث برندگان بودند و اینک ارث دهندگان شده‌اند. آنان نعمت‌ها را شکر نگذاشتند و دنیایشان نیز در نتیجه‌ی نافرمانی از ایشان گرفته شد. از کفران نعمت در هیچ‌یک از آنها تلافی نگرفتار کیفر سخت نشود.

چندین تن جباران کاکه خاک فرو خورده است

این گرسنه چشم آخر هم سیر نشد ز ایشان^۲

جباران و خودکامگان و رزمه شکنان رفتند، اما نام و یاد علی (ع) در بلندای هستی بر جا مانده است و حکومت او (حکومت مؤمنان تا سده بیستم به عنوان زیباترین جلوه‌ی حکومت انسانی در منظر دیده‌هاست؛ حکومتی که با خواست مردم سکای گرفت و با بیعتی آزادانه تحقق یافت و هیچ‌کس برای بیعت تحت هیچ‌گونه فشاری قرار نگرفت. حکومتی که هرگز حقوق مخالفان خود را زیر پا نگذاشت و آزادی آنان را به بهانه‌های مختلف تحدید نکرد؛ حکومتی که حقوق مداری را سر لوحه‌ی تنظیم روابط خویش قرار داد و حقوق یک‌دفعه را یک‌باره لغو نمود؛ حکومتی که عدالت را بتیامه و همه جانبه پاس داشت و آن را اساس هر چه قرار داد.

امیر مؤمنان علی (ع) سیاست را در معنایی والا و الهی مطرح و از سیاست‌های رایج و پیشین که همگی در خدمت قدرت و مکننت سیاستمداران بوده است، به شدت بیزار بود و همه‌ی وجود خود و حکومتش را برای هدایت مردمان به سوی خلد می‌خواست.^۳ از این رو هرگز از حدود و مرزهای الهی فراتر نرفت و برای حفظ قدرت و حکومت و پیشبرد سیاست‌ها و

۱. أبو الفضل نصر بن مزاحم المقرئ، وقعة صقین، تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الثانية، المؤسسة العربية الحديثة، القاهرة، ۱۳۸۲ ق. افست مکتبه المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳ ق. صص ۱۴۲-۱۴۳.

۲. افضل‌الدین بدیل بن علی نجار (خاقانی شروانی)، گزیده اشعار خاقانی شروانی، به کوشش سید ضیاء‌الدین سجادی، چاپ اول، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۱ ش. صص ۲۸۲.

۳. نک: نهج البلاغه، کلام ۱۳۱.

برنامه‌های اصلاحی و انقلابی خویش ذره‌ای ستم روا نداشت.^۱ آزادی را پاس داشت و حتی آن را از مخالفانی چون خوارج دریغ نداشت،^۲ و بیش از هر چیز به آشنایی مردمان با حقوقشان اهتمام ورزید،^۳ که حرمت مردمان را بالاترین امر می‌دید.^۴

پیشوای موحدان سخت پایبند کیفیت استخدام وسیله بود و برای اهداف مقدس و اصلاحی خود جز وسایل مقدس و صالح را به کار نگرفت،^۵ و در نامناسب‌ترین اوضاع و احوال و تحت بیش‌ترین فشارها اجازه‌ی خودکامگی و بهره‌گیری از استبداد برای گشودن راه‌ها و حل مشکلات به کسی نداد و خود از این‌گونه روش‌ها به شدت پرهیز نمود.^۶

پیشوای عدالت‌خواهان جز به حق نمی‌اندیشید و جز برای حق عمل نمی‌کرد،^۷ و از آن‌جا که حق، استوار و راست و معتدل است، از آن حضرت در ساخت عمل جز استواری و راستی و اعتدال - حتی در سخت‌ترین اوضاع و احوال - مشاهده نشد.^۸

آن پیشوای حق و عدالت، در راه حق جز به عدالت نرفت که عدالت را مایه‌ی برپایی مردمان و وسیله‌ی اصلاح امور و تسکین و تسخیر پاک شدن آدمیان از گناه و ناراستی، و مایه‌ی روشنی چراغ اسلام می‌دانست.^۹

عدالت علی (ع) عدالتی به جانب و فراگیر، و دقیق و بی‌نظیر بود؛^{۱۰} و آن حضرت چنان بر عدالت پای می‌فشرد و چنان از آن دواء می‌کرد که بسیاری را خوش نیامد و در برابر آن حضرت

۱. نک: همان، کلام ۲۲۴.

۲. نک: أبو عبید القاسم بن سلام الهروی، الاموال، تحقیق و تعلیق محمد خلیل هراس، الطبعة الثانية، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۸ ق. صص ۲۹۶-۲۹۷.

۳. نک: نهج البلاغه، خطبه ۳۴، خطبه ۱۶۷.

۴. نک: همان، خطبه ۱۶۷.

۵. نک: همان، کلام ۱۲۶، کلام ۲۰۰، حکمت ۳۲۷.

۶. نک: همان، کلام ۶۹.

۷. نک: همان، کلام ۳۷.

۸. نک: همان، خطبه ۴، کلام ۱۶.

۹. نک: عبد الواحد التمیمی الآمدی، غررالحکم و درر الکلم، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۰۷ ق. ج ۱، ص ۳۳۵.

۱۰. نک: نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷.

ایستادند و غائله‌ها به پا ساختند و فتنه‌ها انگيختند و لشکرها بیاراستند.^۱ اما آن حضرت در عرصه‌ی سیاست و حکومت صریح بود و صدیق، استوار بود و سازش‌ناپذیر، حکیم بود و خبیر؛ پس قامت استوار کرد و حق و عدل را از کام باطل پیشگان و ستمگران بیرون کشید، هر چند که آنان ناخواه بودند.

امیرمؤمنان علی (ع) سیاستی اصلاحی بر پایه‌های حق و عدل را پیش گرفت و در این راه هر سختی را برای خدا به جان خرید و در همین راه به شهادت رسید. او در راهی که رفت جز به خدا و صلاح مردمان نیندیشید، و با محبت و رحمتی فراگیر همه را به هدایت خواند و راه گشاده‌ی حق و عدل را تبیین نمود و آن را طی کرد و ذره‌ای استبداد نورزید و خودرأیی نکرد.^۲

پیشوای آزادی‌خواهان، حقوق متقابل مردمان و زمامداران را در عمل به زیبایی جلوه بخشید و ثابت کرد که پیش‌رایان حق و عدل چگونه سیر می‌کنند و به کدام سیره پایبندند.^۳ آن حضرت راه نصیحت و انتقاد را بر مردم خرد گشود تا زمامداران و کارگزاران، خود را از کجی و ناراستی حفظ کنند و همه‌ی همت را بر اصلاح امور متوجه نمایند.^۴

وصی به حق پیامبر (ص) و پیشوای اولین و آخرین، با آن همه مقام و منزلت، و جایگاه ویژه، و خیزد الهی و بصیرت سیاسی، اس‌ش و صورت و رای زدن بود و هرگز از این راه و رسم نیکو در حکومت و مدیریت دور نشد تا به پیروان خود و همه‌ی زمامداران راه و رسم زمامداری بیاموزد.^۵

علی (ع) پارسایی و ساده‌زیستی را پاس می‌داشت که بدین صورت، انسان به آزادی حقیقی و خدمتگزاری واقعی دست می‌یابد؛ و آن حضرت تأکید می‌کرد که کارگزارانش ساده‌زیست و بی‌تکلف و مردمی باشند و از غلطیدن در برهوت دنیا و فرورفتن در ساءبات متکلفانه و دور شدن از مردمان پرهیزند.^۶

امیرمؤمنان علی (ع) بر انصاف ورزیدن و از تبعیض دوری گزیدن اصرار داشت و شگفت داشت و اجازه نمی‌داد کسی به سبب وابستگی و یا نزدیکی و یا خویشاوندی به او تبعیض روا دارد و از

۱. شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۳۷.

۲. نک: نهج‌البلاغه، کلام ۱۳۶، خطبه ۲۱۶.

۳. نک: همان، خطبه ۲۱۶.

۴. نک: همان، خطبه ۳۴، خطبه ۲۱۶.

۵. نک: وقعة صفین، ص ۹۲.

۶. نک: نهج‌البلاغه، نامه ۴۵.

امتیازی برخوردار شود که امتیازخواهی را بدبختی دنیا و آخرت می دانست.^۱ و حکومت آن حضرت حکومت تلاش برای تحقق کامل امنیت، حریت، عدالت، رفاهت، مساوات، اخوت و عبودیت بود.^۲

حکومت امام علی (ع) با چنین جلوه‌هایی حکمرانی حکیمانه و حکومت موفق تاریخ است.

شاخصه‌های حکومت موفق

حکومت موفق را با کدامین شاخصه می‌سنجند؟ آیا حکومتی که با تغلب و تسلط شکل می‌گیرد و با استبداد و استعمار دوام می‌یابد، حکومتی موفق است؟ آیا حکومتی که با خودکامگی و ستمگری به خود راه‌هموار می‌سازد، حکومتی موفق است؟ آیا حکومتی که با خشونت و شدت به اداره‌ی مردمان می‌پردازد، حکومتی موفق است؟ آیا حکومتی که با فریب و نیرنگ پیش می‌رود، حکومتی موفق است؟ آیا حکومتی که با ریاکاری و بی‌صدافتی با مردم خود رفتار می‌نماید، حکومتی موفق است؟ آیا حکومتی که زبان‌های گویا را می‌بُزد و بردیده‌های بی‌نا میل می‌کشد، حکومتی موفق است؟ آیا حکومتی که برای دستیابی به مقاصد خود، به هر خیانت و جنایتی دست می‌زند، حکومتی موفق است؟ ... در این صورت حکومت جباران و فرعونان تاریخ موفق‌ترین حکومت‌ها بود! اما کدامین فطرت انسانی و کدامین خِرَد نورانی است که حکومتی آزادی‌گرا، عدالت‌گرا و انسان‌گرا، استابد و آن را حکومت موفق تاریخ بشمارد، هر چند که دیر نیاید و چون حکومت جباران، توسل به زور و ستم دوام نیارد؟

حکومت موفق، حکومتی نیست که با استبداد و بی‌دلی، و با خودکامگی و ستمگری، و با خشونت و شدت، و با فریب و نیرنگ، و با ریاکاری و بی‌صدافتی صدها سال بر پا باشد و سلطه‌ی خود را بر مردمان نگه دارد. امیرمؤمنان علی (ع) در این باره فرموده است:

« مَا ظَفِرَ مِنْ ظَفَرِ الْأَثَمِ بِهِ، وَ الْغَالِي بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ. »^۳

کسی که با توسل به گناه پیروز شود، پیروز نیست؛ و کسی که با استبداد غلبه کند، در واقع مغلوب است.

۱. نک: همان نامه ۵۳.

۲. نک: مصطفی دلشاد تهرانی، دولت آفتاب (اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (ع))، چاپ دوم، اول ناشر، انتشارات دریا، ۱۳۷۹ ش. صص ۵۹-۶۱.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷.